

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

انجینر محمد هاشم رائق

۳۱ جولای ۲۰۲۳

معاهده آب هلمند و حقابه ایران از دریای هلمند

در این اواخر باز مسأله آب دریای هلمند و حقابه ایران از آن دریا سر زبان هاست و در رسانه های اجتماعی با تفسیرهای مختلف شنیده می شود و طوری وانمود می گردد که واقعه ای جدید بین دو همسایه دوست و هم کیش اتفاق افتاده باشد. در حالی که این یک مسأله دیرین است و سالیان دراز بین مملکت های ایران و افغانستان روی این موضوع مباحثات و مذاکراتی صورت گرفته و می گیرد.

سرگذشت این داستان نشاندهنده آنست که در طول تاریخ معاصر، اگر اشتباه نشود هشت بار مذاکراتی با اشتراک هیأت خارجی از طرف دول دوست در باره آبهای سرحدی، حقابه ایران از آن آبها صورت گرفت، در نتیجه به ناکامی انجامیده تا بالاخره طوری که به همه واضح است قراردادی یا معاهده خیلی وسیع و حاوی خصوصیات و مزایای خیلی عالی و همه جانبه است که اگر به صورت صحیح و عادلانه تصبیق گردد می تواند جوابگوی همه مناقشات و سوالات باشد.

این معاهده بین افغانستان و ایران توسط موسی شفیق صدراعظم افغانستان و امیرعباس هویدا صدراعظم ایران در تاریخ ۲۲ حوت سال ۱۳۵۱ مطابق ۱۲ مارچ ۱۹۷۳ به امضاء رسید و توشیح دولتین ایران و افغانستان قرار گرفت و بین اساس قانون منعقدہ راجع به آب رود هلمند در سال نورمل و مافوق نورمل آبی که به دولت ایران داده شود به طور اوسط ۲۲ متر مکعب در ثانیه تعیین گردید و ۴ متر مکعب در ثانیه منحیث حسن نیت و علایق برادرانه از طرف افغانستان به ایران به گونه اضافه تحویل داده شود که مجموعاً ۲۶ متر مکعب در ثانیه حقابه ایران از رود هلمند می شود.

قرار ماده اول جز (ج) این معاهده سال نورمل عبارت از سالی است که مجموع جریان آب از اول ماه اکتوبرالی ختم ماه سپتمبر سال بعد، در دستگاه اندازه گیری آب در منطقه (دهراود) ولایت اورزگان روی دریای هلمند بالاتراز موقعیت بند کجکی مقدار جریان آب (۵،۶۶۱) میلیون متر مکعب اندازه گیری و محاسبه شده باشد

در ماده پنجم معاهده گفته شده افغانستان موافقت دارد اقدامی نکند که ایران را از حقابه ای که در این معاهده تثبیت و محدود شده است بعضاً و یا کلاً محروم سازند و افغانستان با حفظ تمام حقوقی بر باقی آب دریای هلمند هر طوری که خواسته باشند آن را به مصرف برسانند ایران هیچ گونه ادعای بر آب هلمند بیشتر از مقدیری که طبق معاهده تثبیت شده است ندارد حتی اگر مقادیر آب بیشتر از دلتا سفلا هلمند میسر هم باشد و مورد استفاده ایران قرار گیرد.

در سالهای اولی، قرارداد طبق دلخواه جانبین به آرامی و حسن نیت پیش می رفت اما به مرور زمان نظریه عدم تطبیق جزئیات مکلفیت ها به اساس موافقتنامه مندرجه و از طرفی نارسائی ها و تخطی ها به قرار داد روحیه دگرگون شد. متأسفانه از سالهای ۱۳۴۹ به اینطرف در افغانستان وقایع ناهنجار سیاسی و تحولات اجتماعی پی در پی واقع گردید که هر کدام آن سیستم دولت داری و طرز حکومت های متفاوت از همدیگر روی کار آمد.

متأسفانه هیچ فعالیتی در انکشاف زیربنای منابع آبی در افغانستان صورت نگرفت و همه فعالیت های زراعی و مالداری در هم پاشیده بود فعالیت های بند کجکی با توربین دستگاه برق با وال های تونل آبیاری صدمه دیده بود. سربند کانال نهر یغرا، نهر شمالان، نهر درویشان و نهر سراج به شمول بند ارغنداب و کانال ظاهر شاهی قندهار صدمه دیده و اکثراً از کنترل و مدیریت آب ناتوان شده بودند تمام آبهای دریای و معاونین آن به سمت مملکت ایران جریان داشته است. موضوع دیگر این است که معاهده سال ۱۹۷۳ بین ایران و افغانستان تنها درباره آب هلمند است اما درباره آب دریا های دیگری مانند دریای ادرسکن که به نام دریای شنیندند نیز زیاد می شود که جریان سالانه آب آن در حدود ۲۱۰ میلیون مترمکعب تخمین می شود از قسمت ولسوالی اناردره ولایت فراه به هامون صابری می ریزد، دریای فراه رود که حجم اوسط سالانه در حدود ۱۲۵۰ میلیون مترمکعب تخمین می گردد در ولسوالی بالابولوک با رود زمردان یکجاشده در هامون صابری منتهی می گردد، رودخاسپاس از کوه های سیاه بند ولسوالی گلستان شروع در جنوب غربی سلطان بگوا با چند رود بار موسمی یکجا به هامون پوزک می ریزد و جریان اوسط سالانه ۴۰ میلیون مترمکعب تخمین نموده اند، دریای خاشرود که حجم اوسط جریان سالانه ۱۷۰ میلیون مترمکعب تخمین گردیده از کوه سنگ در ولسوالی پرچمن ولایت فراه شروع و بالاخره به هامون پوزک می ریزد.

مجموع آبی که سالانه این دریاچه های هامون ها می ریزد ۱۶۷۰ میلیون مترمکعب تخمین گردیده تماماً توسط دولت ایران در نیمه چاه ها ذخیره می گردد و سبب خشکیدن هامون ها می گردد متأسفانه آنها با تخطی های متواتر از متن قرار داد منعقد که در اوراق دولت افغانستان درج است خاطر نشان می گردد:

احداث دهها ساختمان آب گیر بر رودخانه هلمند در مرز آبی مشترک؛

• نصب بیشتر از صد پایه و اترپمپ در محدوده مرز آبی مشترک؛

• احداث چهار چاه نیمه که هر کدام آن دارای ظرفیتهای قابل ملاحظه بوده و توسط کانال "جریکه" آب رودخانه هلمند و سایر رودخانه ها به طرف نیمه چاهها (ذخایر آبی) در خاک ایران جریان داده می شود؛

• احداث بند کهک به منظور مرفوع ساختن نیاز مندیهای شان به آب و بعد پائین آوردن دروازه های بند و منحرف کردن سیلابها به طرف نیمروز افغانستان که خسارات فراوانی را به خاک افغانستان وارد می کند؛

• عریض ساختن رود سیستان نظر به عرض سابقه آن و جریان دادن آب شاخه سیستان رود هلمند به طرف زابل آن کشور؛

• تحکیمات یک طرفه ساحل چپ رودخانه هلمند به طرف ایران که این امر سبب تغییر مسیر دریا به طرف افغانستان و تخریبات ساحل راست دریای مذکور شده است. همه اینها ثابت می سازد که دولت ایران مقدار آب، به مراتب اضافه تر از حبابه خویش در طول سال های متمادی از رودخانه هلمند گرفته اند که با استفاده از این مقدار زیادی آب اراضی بیشتر را در منطقه سیستان انکشاف دهند که تقریباً در حدود ۱۲ هزار هکتار زمین جدید را تحت فارم های زراعی در آوردند و ذریعه دو پایب لاین آب آشامیدنی برای ساکنین شهر بزرگ زاهدان انتقال می دهند. از همین علت است که همیشه ادعا دارند که آب کم به دسترس شان است. باید خاطر نشان کرد که افغانستان این مکلفیت را ندارد تا برای فارم های تحقیقاتی که جدیداً انکشاف یافته و آب آشامیدنی شهر زاهدان ایران، آب تهیه کند.

از سوی دیگر نظری اگر به وضع رقت بار هامون ها بیندازیم:

هامون های هلمند در سرحد میان افغانستان و ایران واقع شده است از چهار تالاب کم عمق تشکیل شده که عبارت اند از هامون صابری که عمیقترین شان است در قسمت شمال هامون پوزک به طرف شمال شرق هامون شاپور ویا اشکین و در قسمت جنوب تالاب مرکزی که به نام هامون هلمند یاد می شود در زمان آب خیزی این هامون ها باهم متصل گشته و به صورت یک پارچه درمی آیند و وسیع ترین دریا چه آب شیرین در افغانستان و ایران را زیر نام تالاب ها می سازند گود زرین که کاملاً در خاک افغانستان موقت دارد نیز بخشی از همین آب هاست که در زمان آب خیزی از طریق رود شيله وارد گود زرین می گردد و وسعت این هامون ها در زمان آب خیزی تقریباً ۳۲۰۰ کیلو متر مربع می رسد .

تالاب های هلمند چراگاه و مهمترین منبع مواد غذایی برای حیوانات اهلی منطقه بوده و همچنان جهت ماهیگیری از آن استفاده به عمل می آید اما مهمتر از همه کاشانه و مهد پرورش و بود باش انواع و اقسام طیور و پرندگان مهاجر در منطقه بود و در حدود ۱۴۰ نوع پرنده سالانه در آنجا می آمدند که بعضاً در فصل زمستان در آنجا زندگی می کردند ، اما بعد از سال ۱۹۹۸ بدین طرف نسبت خشک سالی های متواتر از یک سو و از سوی دیگر پمپ کردن آبهای سطحی و زیرزمینی هامون ها از طرف دولت ایران به ذخایر مصنوعی چاه های نیمه ویا (شهنامه) که ظرفیت آنها در ابتداء در حدود ۷۰۰ میلیون متر مکعب بود و فعلاً به بیش از ۱۵۰۰ میلیون متر مکعب رسیده هامون ها را خشک کرده که در نتیجه چراگا های طبیعی اهالی که منبع مهم اقتصادی برای مردم محل بود از بین رفته این هامون ها از نقطه نظری کولوژی اهمیت خاص دارد وجود و تریبیه ماهی درین تالاب های طبیعی به گونه ای گزارش داده شده که از جمله ۱۵ نوع آن بومی و ۱۰ نوع آن توسط ایران وارد تالاب شده تخمین می شود که در سال سیر آبی در حدود ۳۴۶۸۰ تن ماهی در سال به دست می آید همچنان تقریباً ۱۸۲ نوع مختلف و ۲۳ نوع حیوانات پستاندار و تقریباً ۳۷ نوع خزندگان مختلف النواع و اقسام گیاه ها و اشجار سالانه درین تالابها وجود دارد گرچه در سال ۲۰۰۳ و سالهای بعدی بارندگی هم زیاد بود و سالهای پر آبی هم داشتیم اما باز هم هامون ها احیاء نگردید زیرا آب به ذخایر چاههای نیمه انتقال می گردید و توسط آن علاوه از آن که اراضی به مراتب بیشتری که سهمیه ایران به آن طبق معاهده بود تحت زراعت قرار داده یک مقدار اضافی آب به زاهدان که در حدود ۲۰۰ کیلو متر دورتر از زابل قرار دارد به ارتفاع ۱۸۰۰ متر پمپ می گردید حتی گفته می شود که قسمتی از آن توسط پانئیب لاین از تحت خلیج فارس به شیخ نشین های خلیج صادر می گردید.

افغانستان اصرار دارد که معاهده نه صراحتاً ولی در عمل نیازی طبیعت را هم در نظر گرفته و ایران باید منابع آبی خود را طوری مدیریت می کرد که نه سیستان خشک می شد و نه هامون ها.

تا جایی که راپورها و اسناد رسمی دست داشته شعبات مسؤول دولت افغانستان نشان می دهد دولت های افغانستان در هر دوره راجع به تطبیق معاده تقسیم آب هلمند بین ایران و افغانستان سخت پای بند و وفادار بوده است . در بین سالهای ۱۳۶۰-۱۳۵۰ که مرحوم داکتر ناصر عمر به حیث رئیس عمومی وادی هلمند و ارغنداب بودند و اینجانب در رأس یک شعبه که مسؤولیت کنترل بند کجکی و بند ارغنداب که بزرگترین معاون دریای هلمند است با ریکارت اندازه گیری گیج جریان آب دریای هلمند در (دهراود) را داشت ایفای وظیفه می کردم.

خوب به یاد دارم که اکثراً مسؤولین دولت ایران به طور حق و نا حق به وزارت خارجه افغانستان مراجعه می نمودند و از کمی آب شکایت می کردند و از آن مقامات به ریاست عمومی هلمند راجع و بالاخره به اینجانب راجع می شد. در این مورد گفته می توانم در صدی زیاد ادعای شان بجا نبود.

در اخیر باید عرض شود ، اگر تقسیم آب بین دو کشور هم مرز ایران و افغانستان ، به اساس این معاهده که بعد از تلاشهای چندین ساله به توشیح رسیده صورت بگیرد ، احتیاجی به زورگویی تشنج بین دو کشور همکیش همسایه نخواهد بود.